

تأخیر تأدیه مطالبات بانکی در پرتو قانون و رویه قضایی

فرامررز زارع آرند*

امید فاضلی**

چکیده

خسارت تأخیر تأدیه از گذشته تاکنون از موضوعات مورد مناقشه و بحث‌برانگیز بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی خسارت تأخیر تأدیه براساس نظریات فقهی مصداق ربا و دریافت آن ممنوع اعلام گردید. به دلیل سوءاستفاده بدهکاران و تورم شدید که موجب تنزل ارزش پول می‌گردید به تدریج خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم در قوانین راه یافت لکن بانک‌ها براساس قراردادهای تسهیلات سود و خسارت تأخیر به میزان بسیار بیشتر از نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی دریافت می‌نمودند و در رویه قضایی نیز در این خصوص اختلاف نظر وجود داشت که با صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ دیوان عالی کشور مورخه ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ شرط مندرج در قرارداد اعطای تسهیلات بانکی نسبت به سود مازاد بر مصوبات بانک مرکزی جمهوری اسلامی باطل اعلام گردید. این مقاله با بهره‌مندی از روش توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی و پاسخگویی انطباق یا عدم انطباق خسارت تأخیر تأدیه مطالبات بانکی با مقررات قانونی و اصول عدالت و انصاف است.

واژگان کلیدی: تأخیر تأدیه، قرارداد تسهیلات، مطالبات بانکی، جریمه تأخیر،

شاخص تورم

* کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

zarearand@yahoo.com

** کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

za.arand1991@gmail.com

مقدمه

موضوع دریافت خسارت تأخیر تأدیه همواره یکی از بحث‌های چالش‌برانگیز فقهی و حقوقی در نظام بانکی کشور بوده است؛ صرف‌نظر از نظریه‌های گوناگونی که در تبیین ماهیت خسارت تأخیر تأدیه ابراز شده، همه صاحب‌نظران بر لزوم دریافت این نوع خسارت، به ویژه در نظام بانکی اتفاق نظر دارند. راهکارهای ارائه شده برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه در نظام بانکی، با ایرادهایی روبه‌رو شده‌اند؛ هرچند که تعیین وجه التزام در قراردادهای از جهت‌های گوناگون، قابل پذیرش است؛ اما بر آن ایراد شده است که به وضعیت انواع بدهکاران بانکی توجهی ندارد. حذف بهره از عملیات بانکی در شیوه بانکداری بدون ربا، بانکداری اسلامی را با مشکل‌هایی روبه‌رو کرده است؛ از جمله این مشکل‌ها که البته راه‌هایی نیز برای آن به وسیله اندیشه‌ورزان مسلمان ارائه شده، تأخیر دریافت‌کنندگان تسهیلات در بازپرداخت بدهی‌ها و چگونگی جبران خسارت بانک‌ها است. برخی از بدهکاران و استفاده‌کنندگان تسهیلات بانکی به دلایلی نمی‌توانند یا نمی‌خواهند، در سررسید معین بدهی خود را بپردازند. در نظام بانکداری ربوی، کسانی که در سررسید معین به پرداخت اقساط بدهی خود اقدام نکنند، با توجه به درصد بهره در قراردادی که با بانک منعقد کرده‌اند، باید برای مدت تأخیر نیز مانند مدت قرارداد، بهره دیون خود را پرداخت کنند. افزون بر این، به طور معمول بانک‌ها برای مدت تأخیر، درصدی را افزون بر نرخ بهره به عنوان جریمه پیش‌بینی می‌کنند؛ در نتیجه بدهکار ملزم خواهد بود که برای تأخیر در پرداخت دین خود، بهره‌ای بیشتر از بهره اصلی مندرج در قرارداد را به بانک پرداخت کند. همین نظام دریافت بهره، به‌طور معمول سبب می‌شود تا بدهکارانی که به هر علت نمی‌توانند اقساط خود را به موقع پرداخت کنند، چنان مبلغ بدهی آنان افزایش یابد که هیچ‌گاه نتوانند این بدهی را به بانک پرداخت کنند و سرانجام نیز تمام سرمایه خود را از دست می‌دهند. از یک‌سو، افراط در برخورد با بدهکاران و اعمال فشار بر آنان از راه دریافت خسارت تأخیر تأدیه و جریمه دیرکرد، راهکاری منطقی و عقلانی نیست و از سوی دیگر

ممنوعیت مطلق دریافت خسارت تأخیر تأدیه که نتیجه آن تشویق بدهکاران به عدم پرداخت به موقع بدهی آنان خواهد بود، آثار منفی فراوانی بر روابط معاملی جامعه می‌گذارد که مهم‌ترین آن‌ها سلب اعتماد عمومی و کاهش معامله‌های مدت‌دار، کاهش قرض‌الحسنه و کاهش روح تعاون و همکاری بین افراد است. یکی از راهکارهایی که برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در نظام حقوقی ایران قابل استفاده است، شیوه‌ای است که در ماده ۲۳۰ قانون مدنی پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه کند، حاکم نمی‌تواند وی را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است، محکوم کند.» براساس این ماده طرفین می‌توانند برای هر نوع نقض عهدی، خسارتی را که باید پرداخت شود، در قرارداد پیش‌بینی کنند. چنین توافقی صرف‌نظر از میزان خسارت تعیین شده و میزان خسارت واقعی، از لحاظی قانونی لازم‌الاتباع است. پیش‌بینی چنین خسارتی را در حقوق ایران، در اصطلاح «وجه التزام» نامیده‌اند. پیش‌بینی وجه التزام به ویژه درباره خسارت‌هایی که ارزیابی و تعیین آن دشوار است یا مواردی که طرف قرارداد می‌خواهد، حداکثر تضمین را از طرف مقابل خود به دست آورد، بسیار مرسوم است. یکی از مشکلات مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، تعیین میزان این نوع خسارت است. یکی از ویژگی‌های پیش‌بینی وجه التزام در متن قرارداد، معاف شدن طلبکار از اثبات میزان خسارت‌هایی است که به وی وارد شده است، چه اینکه ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد که حاکم نمی‌تواند، میزان خسارت تعیین شده را کمتر یا بیشتر کند؛ بنابراین استفاده از وجه التزام راهکار مناسبی برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه است. به باور حقوقدانان، به همان اندازه که عدم انجام تعهد عهدشکنی شمرده می‌شود، تأخیر در انجام تعهد نیز نوعی نقض عهد است؛ با این تفاوت که در یکی انجام دادن تعهد به طور قاطع منتفی شده و در دیگری به هنگام انجام نشده و بخشی از مطلوب از دست رفته است. بنابراین برخی اساتید به صراحت بیان داشته‌اند که می‌توان از «خسارت تأخیر تأدیه» به خسارت عدم انجام تعهد تعبیر کرد؛ زیرا مؤدی و

مدیون، در ضمن عقد و قرارداد، تعهد به پرداخت دین می‌کند و اگر دین خود را در موعد مقرر نپردازد، در حقیقت به تعهدش عمل نکرده است. در نتیجه همان‌گونه که بر نقض عهد به صورت کلی یا هر یک تعهدهای فرعی قراردادی می‌توان خسارت و وجه التزام معین کرد، برای تأخیر انجام تعهد یا تأخیر تأدیه نیز می‌توان وجه التزام تعیین کرد. بعد از پیروزی انقلاب و حذف بهره دیرکرد وام‌ها و اعتبارات از قوانین بانکی، نظام بانکی با مشکل تأخیر بازپرداخت وام‌ها و اعتبارات روبه‌رو شد. حذف خسارت تأخیر تأدیه مشکلات متعددی برای طلبکاران به ویژه بانک‌ها در پی داشت. افراد فراوانی که وام‌های کلانی از بانک‌ها گرفته بودند، انگیزه‌های برای پرداخت به موقع بدهی نداشتند و این اختلال فراوانی در برنامه بانک‌ها پدید می‌آورد. برای حل این مشکل در شورای پول و اعتبار ماده‌ای تصویب شد که به سبب آن گیرنده تسهیلات بانکی به عنوان شرط ضمن عقد، متعهد می‌شود در صورت تأخیر تأدیه، جریمه بپردازد. فقهای شورای نگهبان نیز با اصلاح عبارت «تسویه کامل بدهی» به عبارت «تسویه کامل اصل بدهی»، دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قالب شرط ضمن عقد را مجاز دانستند. اصلاح شورای نگهبان به منظور احتراز از گرفتن خسارت از خسارت است که حتی در زمان حاکمیت قانون آیین دادرسی قدیم نیز ممنوع بود. در همین جهت، بعد از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در شهریور ۱۳۶۲، نظام بانکی با استناد به موافقت شورای نگهبان، متناسب با انواع قراردادهای بانکی ماده‌ای را به صورت شرط ضمن عقد، در متن قراردادهای بانکی گنجانده که در نتیجه آن مشتری به مقتضای شرط ضمن عقد متعهد می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت بدهی مبلغ معادل دوازده درصد بدهی به عنوان جریمه تأخیر به بانک بپردازد. این راهکار گرچه مورد تأیید شورای نگهبان بوده و نظام بانکی ایران به استناد آن عمل می‌کند؛ اما از جهت فقهی محل بحث است و فقها به آن پاسخ‌های متفاوت داده‌اند. فقهای شورای نگهبان در اظهارنظرها و پاسخ به استفتائات خود، خسارت تأخیر تأدیه مشروط در قرارداد را به عنوان وجه التزام، لازم‌الاتباع دانسته‌اند. در این باره بیان شده که مطابق قاعده «المؤمنون

عند شروطهم» که نزد فقها ثابت است، اگر در ضمن قرارداد صحیح و لازم، شرطی قرار داده شود که؛ اولاً، مخالف مقتضای عقد نباشد، ثانیاً، مخالف کتاب و سنت نباشد و ثالثاً، مورد توافق طرفین باشد، این شرط صحیح و مانند عقد، لازم‌الوفاء است. برخی نیز با تأکید بر قصد طرفین در توافق بر وجه التزام تأخیر تأدیه در قرارداد، باور دارند، از نظر فقهی، اگر قصد وی این نبوده که درآمدی را از راه شرط به دست آورد؛ بلکه می‌خواسته از این راه، مدیون را به پرداخت در سررسید مقید کند، این ضمانت اجرا است و نمی‌توان آن را ربا دانست. به نظر می‌رسد اگر خسارت مقرر شده در قرارداد را وجه التزام تأخیر انجام تعهد تحلیل کنیم که به واقع نیز چنین است، به صحت این شرط از نظر قانونی نتوان ایراد کرد. همان‌گونه که می‌توان در یک مبایعه‌نامه شرط کرد که فروشنده مکلف است به ازای هر روز تأخیر در انجام تعهدهای خود؛ مانند: تسلیم مبیع، مبلغ معینی به خریدار پرداخت کند، تعیین خسارت تأخیر در پرداخت دین نیز نوعی وجه التزام تأخیر در انجام تعهد است که درج چنین شرطی در قراردادها با موازین قانونی منافاتی ندارد. این راهکار از جهت معیارهای دیگر نیز قابل قبول است؛ اولاً، بدهکار به علت پرهیز از جریمه، انگیزه پیدا می‌کند بدهی خود را در سررسیدهای مقرر تسویه کند یا به حداقل برساند؛ ثانیاً، بانک از محل جرائم، خسارت وارد را تدارک می‌کند؛ ثالثاً، به جهت عدم نیاز به محاکم قضایی و محاسبه‌های پیچیده مالی، کارایی لازم را دارد. مهم‌ترین ایراد وارد بر این روش، این است که تفاوتی بین علل و عوامل تأخیر گذاشته نمی‌شود و همه به عنوان تخلف از پرداخت در سررسید، جریمه می‌شوند. در نظام بانکی، تأخیر در بازپرداخت تسهیلات، به‌صورت ویژه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد و آثار نامطلوبی را بر جا می‌گذارد؛ به گونه‌ای که بانک‌ها نمی‌توانند به راحتی از کنار این موضوع بگذرند. صرف‌نظر از هزینه‌های اجتماعی؛ مانند: اختلال در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بانک‌ها، کاهش اعتماد عمومی و ...، به طور خلاصه می‌توان گفت که تأخیر در بازپرداخت تسهیلات آثار منفی مالی و اقتصادی بسیاری را بر بانک‌ها تحمیل می‌کند، به گونه‌ای که حتی ممکن است آن‌ها را در آستانه ورشکستگی

قرار دهد؛ از جمله این آثار نامطلوب اقتصادی می‌توان به مواردی چون کاهش نقدینگی، عدم امکان استفاده مناسب اقتصادی از سرمایه‌های بانک، تحمیل هزینه‌های قضایی و اجرایی وصول مطالبه‌ها، خسارت ناشی از کاهش ارزش پول، بالارفتن هزینه‌های جاری بانک، اشاره کرد. تحمیل این آثار منفی بر نظام بانکداری، سبب بالارفتن سود تسهیلات اعطایی از سوی بانک‌ها می‌شود. یکی از اقدامات تشکیل‌دهنده نرخ سود تسهیلات در تمام بانک‌ها از جمله بانک‌های بدون ربا، درصد مطالبه‌های سوخت شده و معوق است. هر چه درصد مطالبه‌های سوخت شده و معوق افزایش پیدا کند، بانک مجبور است، برای جبران خسارت ناشی از آن‌ها نرخ سود تسهیلات خود را افزایش دهد. نتیجه این می‌شود که بانک‌هایی که راهکار مناسبی برای وصول مطالبات خود ندارند، هزینه تسهیلاتی بالایی داشته باشند و در عرصه رقابت با بانک‌های دیگر مشکل پیدا کنند و به همین جهت است که مدتی است، بانک‌های اسلامی به سبب سنگینی هزینه‌ها مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد که اصل خسارت تأخیر تأدیه باید در نظام بانکداری اسلامی نیز مورد پذیرش قرار گیرد؛ وگرنه آثار نامطلوب اقتصادی و اجتماعی فراوانی بر جا می‌گذارد که سرانجام به ناکارآمدی این نظام می‌انجامد. با توجه به تبصره ۱ الحاقی به ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۷۶ و اطلاق کلمه خسارت در آن، هرگونه تردید قانونی درباره مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از سوی بانک‌ها از بین رفت؛ حتی از عبارتهای آن، چنین استنباط می‌شود که این قانون به گذشته هم سرایت دارد.

مبانی تحقیق

در مقالات علمی سابق و نیز در کتب حقوقی نگارش یافته توسط اساتید حقوق خصوصی مطالبی در این خصوص بیان شده است. کتاب خسارت تأخیر تأدیه در ارتباط با دیون دستگاه‌های دولتی و شهرداری‌ها نوشته رحیم ملاحسینی، عباس تفرشی و محمود احمدی، حقوق مدنی دوره مقدماتی جلد دوم نوشته دکتر سید حسین صفایی و حقوق مدنی (حقوق قراردادهای) نوشته دکتر حسن ره‌پیک از

زمره این پژوهش‌ها می‌باشند. در این مقاله با در نظر گرفتن فتاوی معتبر شرعی، نظریه‌های حقوقی و رویه قضایی موضوع بررسی شده و با تشریح ابعاد مختلف آن ارائه شده است.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

اصول و قواعد جبران خسارات اساساً به الزامات خارج از قرارداد و مسئولیت مدنی ارتباط دارد و حقوق قراردادهای نیز از این اصول و قواعد استفاده می‌نماید. البته وجود قرارداد و توافق می‌تواند قواعد مسئولیت‌ها جبران‌ها را تا حدی تحت تأثیر قرار دهد اما مبانی جبران خسارات در قراردادهای تفاوت اساسی با الزامات غیرقراردادی ندارد. به طور کلی در قرارداد یا غیرقرارداد برای مطالبه خسارات وجود و احراز شرایط ذیل ضروری است:

۱- وجود یک تعهد یا تکلیف، مانند تعهد ناشی از یک قرارداد یا یک تعهد

قانونی

۲- نقض یک تعهد یا تقصیر در انجام تکلیف مانند عدم اجرای قرارداد یا تخلف

از انجام تعهد قانونی

۳- وجود ضرر مسلم، زیرا بدون وجود هیچ‌گونه ضرر، امکان جبران منتفی

است. البته با توجه به قواعد و مقررات حقوقی این ضرر می‌تواند به صورت

مادی و عدم‌النتفع نیز باشد.

۴- وجود رابطه سببیت عرفی بین نقض تعهد و ضرر، شرایط فوق را می‌توانیم

تحت عنوان "شرایط عمومی جبران خسارات" شناسایی کنیم.

یکی از تفاوت‌های قرارداد و غیرقرارداد از نظر اثباتی آن است که چنانچه در

قرارداد، طرفین جبران خسارات مشخصی را برای نقض قرارداد تعیین کرده باشند، برای

زیان‌دیده کافی است تنها شرط اول و دوم را اثبات نماید زیرا با تعیین جبران در قرارداد

(مانند تعیین مبلغ مشخصی در صورت تخلف از اجرای قرارداد) نیازی به اثبات ضرر واقعی وجود ندارد و جبران مذکور به عنوان ضرر مفروض تلقی می‌شود. همچنین در صورت نقض قرارداد فرض خواهد شد بین نقض و ضرر رابطه برقرار است. اما در قراردادی که جبران ضرر مشخص نشده یا در غیر قرارداد (مانند اتلاف و تسبیب) لازم است تمام شرایط به طور واقعی اثبات شود. ماده ۲۲۱ قانون مدنی به صورت کلی شرایط عمومی جبران خسارات را مطرح کرده است (رهپیک، ۱۳۸۵: ۱۲۶ و ۱۲۷). پرداختن پول شایع‌ترین وسیله جبران خسارت است. باید دانست هدف از ایجاد مسئولیت مدنی این است که وضع زیان‌دیده به حال پیشین بازگردد. پس، اگر برای جبران خسارت تلف اتومبیلی که اکنون سی میلیون ریال ارزش دارد تنها بیست میلیون ریال (قیمت زمان تلف) پرداخت شود، آیا می‌توان ادعا کرد که خسارت جبران شده است.

۱. مفاهیم

در این بحث به مهم‌ترین مفاهیم مربوط به موضوع خسارت تأخیر تأدیه مطالبات بانکی پرداخته می‌شود.

۱.۱. مفهوم خسارت

خسارت در لغت به معنی ضرر کردن، زیان بردن و هم‌چنین زیانکاری آمده است و نویسندگان حقوق مدنی نیز با بهره‌گیری از معانی لغوی، اصطلاحی و عرفی ضرر گفته‌اند هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود و یا منفعت مسلمی از دست برود و یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه‌ای وارد آید می‌گویند ضرری به بار آمده است. کاستن از دارایی شخص و پیشگیری از فرونی آن به هر عنوان که باشد اضرار به اوست.

واژه خسارت در حقوق مدنی به دو معنی استعمال شده است. قانون‌گذار، گاه آن را به معنی "ضرر" استعمال نموده که در این استعمال هیچ‌گونه تفاوتی میان "خسارت" و "ضرر" وجود ندارد و در برخی کاربردها از لفظ زیان، صدمه و لطمه نیز استفاده شده است که دو مورد اخیر بیشتر ناظر است به صدمه و لطمه زیان‌های به جسم و جان شخص و شخصیت او (معنوی) و گاهی نیز خسارت به

معنی چیزی است که برای جبران ضرر پرداخت می‌شود. قانون‌گذار هنگامی که از خسارت حاصله از عدم اجرای تعهدات یا جبران خسارات سخن می‌گوید، خسارت را به معنای اول به کار برده و هنگامی که از تأدیه خسارات بحث می‌کند (مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی) معنای دوم را اراده کرده است. همچنین در ماده ۲۲۶ قانون مدنی در مورد ایفاء تعهد از طرف یکی از متعاملین، طرف دیگر می‌تواند ادعای خسارت نماید. مگر ... که در اینجا خسارت به معنی چیزی است که در مقام جبران ضرر داده می‌شود. یعنی همان غرامت یا تاوان. آنچه که مسلم است خسارات حاصله از عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد بر طبق قاعده عقلی "لاضرر" باید جبران شود.

۲.۱. تأخیر

تأخیر در لغت به معنای درنگ، دیرکرد و عقب انداختن به کار رفته است. این کلمه در حقوق معنای اصطلاحی ندارد و به معنای لغوی آن استعمال می‌گردد.

۳.۱. تأدیه

تأدیه در لغت به معنی گزاردن، پرداختن و پرداخت، مورد استعمال قرار می‌گیرد. در حقوق نیز به همین معنی به کار می‌رود. تأدیه معمولاً در خصوص دیونی به کار می‌رود که موضوع آن پرداخت مبلغی وجه نقد باشد و در خصوص غیر آن معمولاً از وفای به عهد، انجام تعهد و عباراتی نظیر آن استفاده می‌شود.

۴.۱. خسارت تأخیر تأدیه

وقتی موضوع تعهد، پرداخت مبلغی وجه نقد رایج باشد و متعهد در سررسید از انجام تعهد خویش سرباز زند، به متعهد له خسارتی از این طریق وارد می‌آید که به آن، "خسارت تأخیر تأدیه" گویند، خسارتی که به متعهدله وارد می‌شود گاهی کاهش مداوم ارزش پول می‌باشد که پدیده‌هایی چون جنگ و محاصره اقتصادی نیز این کاهش را تشدید می‌کند و در اثر آن، نرخ تورم افزایش می‌یابد و گاهی چنانچه متعهدله اهل تجارت باشد می‌تواند با به کار انداختن پول خویش، به موقع از آن بهره‌بردار و بر اثر امتناع مدیون از ادای دین در سررسید، از منافع فراوانی محروم بماند.

دقت در تعریف ارائه شده از خسارت تأخیر تأدیه این نکته را به روشنی بیان می‌دارد که این خسارت در جایی معنا می‌یابد که موضوع تعهد متعهد، وجه نقد یعنی پولی که در کشور رواج قانونی دارد، خواه مسکوک باشد یا اسکناس، آنچه رواج ندارد مانند پول طلای پهلوی و اشرفی و پنج هزاری و یا پول‌های نقره که از جریان خارج شده وجه نقد محسوب نمی‌شود. خسارت تأخیر تأدیه پول یا وجه نقد هر چند عنوان خسارت را به همراه دارد، به دلیل اهمیت در اقتصاد، به نظم عمومی وابسته است و از همین رو از تمامی قواعد عمومی خسارات پیروی نمی‌کند و تابع شرایط و احکام ویژه است (ابهری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۵).

سیدمحمد موسوی بجنوردی در تعریف خسارت تأخیر تأدیه بیان می‌دارند:

«خسارت تأخیر تأدیه عبارت است از خسارتی که بر اثر تأخیر در پرداخت و تأدیه دین حاصل می‌شود. در این میان کلمه "دین" عنوانی است که هم در نسبه می‌تواند مطرح باشد و هم در نقد؛ می‌تواند هم وجه نقد باشد هم غیرنقد، هم فعل باشد و هم ترک فعل (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

۲. ماهیت و ویژگی‌های تعهدات پولی

امروزه در همه‌جای دنیا پول، به‌طور عمده در چهره اسکناس، وسیله مبادله است. اگرچه وجه اعتباری واحدهای پولی اهمیت دارد به ویژه با توجه به استفاده گسترده از کارت‌های اعتباری و کمتر شدن روزافزون مبادله‌های اسکناسی، به‌طور کلی هر زمان که پرداخت یک مبلغ معین، ثابت و مقطوع از پول، تعهد متعهد را تشکیل دهد با تعهد پولی مواجه هستیم. تعهد پولی در این معنا محدود به پول ملی کشور نیست و ارز را نیز در برمی‌گیرد.

به معنایی که گفته شد تعهد پولی دینی است مستقر در قالب یک تعهد مالی کامل که برخلاف سایر تعهدات نیاز به ارزیابی ندارد بلکه در اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین شکل تعهد، یعنی پول که خود معیار ارزیابی است بر ذمه متعهد قرار دارد. از آنجا که پول معیار ارزیابی است و هر تعهدی در نهایت به پول تبدیل می‌شود تغییر در ارزش آن باعث بر هم خوردن تعادل قراردادی می‌شود و جوهر تعهد پولی را تغییر می‌دهد. از سوی دیگر اصل اعتبار گرایی (اعتبار ارزش اسمی

پول) فقط در مورد تعهدات پولی اعمال می‌شود. اصل مذکور به معنای اصالت بهای اسمی پول به‌عنوان موضوع تعهد است. دینی که موضوع آن پول (وجه رایج یا ارز) باشد حاوی تعهد به پرداخت بهای اسمی دین در زمان پرداخت است بدون این‌که نوسانات ارزش پول در اصل تعهد تأثیری داشته باشد. پس تعهد پولی ارزشی واحد و بدون تغییر دارد و متأثر از عوامل بیرونی و خارج از نظام پولی نیست. دیگر آنکه «بهره» تنها به تعهدات پولی تعلق می‌گیرد زیرا ماهیت بهره، به‌عنوان خسارت از دست رفته برای طلبکار، فقط از فقدان پولی که باید می‌گرفت ناشی می‌شود و نه انجام دیگر تعهدات (محقق احمدآبادی و رضایی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۲۷۳ و ۲۷۴).

در خصوص دلایل لازم برای دریافت خسارت مانند سایر دعاوی حقوقی، خواهان باید دادخواست خود مبنی بر «مطالبه اصل طلب و خسارت تأخیر تأدیه آن و هزینه‌های دادرسی و حق‌الوکاله» به اضافه دلایل رسمی و غیر رسمی موجود که وجود رابطه حقوقی مالی فی‌مابین و ثبوت دین و بدهی بر ذمه خواننده (بدهکار) را مشخص می‌کند، به دادگاه ارائه دهد، این دلایل می‌تواند به صورت کتبی مانند نوشته عادی میان آن‌ها یا سند رسمی و در قالب چک، سفته و ... حتی به صورت شفاهی صورت بگیرد. در مورد این‌که مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه از چه زمانی است باید دو حالت را از یکدیگر تفکیک نماییم اول: مواردی که طرفین در خصوص خسارت تأخیر تأدیه در قرارداد یا به صورت شفاهی توافق نموده‌اند. دوم: مواردی که طرفین توافقی نسبت به نرخ و میزان خسارت تأخیر تأدیه ننموده‌اند. توافق و تراضی در خصوص خسارت تأخیر تأدیه به تجویز قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی که بیان می‌دارد: «... مگر این‌که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند» در مورد مطالبات مالی چنانچه طرفین ضمن قرارداد یا به طور شفاهی (با دلیل موجه) در خصوص میزان خسارت تأخیر تأدیه توافق نموده باشند، دادگاه خسارت تأخیر تأدیه را بر مبنای توافق طرفین احتساب خواهد کرد. حکم قسمت اخیر ماده ۵۲۲ بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل حاکمیت اراده قابل توجیه به نظر می‌رسد. علاوه بر ماده ۵۲۲ در ماده واحده الحاق دو تبصره به ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۷۶ آمده «کلیه وجوه و تسهیلات اعطایی که بانک‌ها در اجرای این قانون به اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخت نموده

یا می‌نمایند و برابر قرارداد تنظیمی مقرر شده باشد که اشخاص مذکور، در سررسید معینی وجوه و تسهیلات دریافتی به انضمام سود و خسارت و هزینه‌های ثبتی و اجرایی ... را بپردازند، در صورت عدم پرداخت و اعلام بانک بستانکار قابل مطالبه و وصول است ...» بنابراین عبارت ذیل ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده واحده الحاقی به قانون عملیات بانکی بدون ربا به خوبی مؤید این است که در حال حاضر نیز طرفین می‌توانند در خصوص مبدأ و میزان خسارت تأخیر تأدیه با یکدیگر توافق نمایند. عدم توافق قبلی طرفین در مبدأ خسارت تأخیر تأدیه در بسیاری از موارد طرفین در معاملات خود متعرض مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه نمی‌گردند و معمولاً این مطلب را به سکوت برگزار می‌کنند. حال سؤال اساسی این است که در این گونه موارد چه زمانی را باید مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه دانست. نظر اول این است که مبدأ محاسبه را زمان سررسید دین یا طلب فرض کرده و نظر دوم نیز این است که مبدأ محاسبه را از زمان مطالبه طلب توسط دائن فرض می‌کنیم.

۳. پیشینه فقهی خسارت تأخیر تأدیه

بیشتر فقهای امامیه، گرفتن مبلغی مازاد بر اصل بدهی را تحت عنوان کاهش ارزش پول یا خسارت دیرکرد و مانند این‌ها غیر مشروع دانسته‌اند. فقیه بزرگ، سید محمد کاظم یزدی، صاحب عروه معتقد است که کاهش ارزش پول قبل از سررسید و بعد از آن در ضمان بدهکار نیست؛ هرچند که وی توانایی پرداخت داشته و طلبکار نیز دین را مطالبه کرده باشد. وی در پاسخ به سؤالی در زمینه کاهش شدید ارزش پول می‌گوید: هرگاه آن دین موجد باشد و تنزل قیمت پیش از حلول اجل باشد، خسارت بر طلبکار است ... و اما اگر مطالبه کند و مدیون در دادن ممانعت کند، بدون عذر شرعی، پس در صورت تنزل قیمت، از کیسه طلبکار رفته است؛ چنان که در غصب می‌گویند (یزدی، بی‌تا: ۲۷۸).

مرحوم آیت‌الله العظمی امام خمینی (ره) در خصوص جریمه تأخیر تأدیه می‌فرماید آنچه بانک و یا غیر بانک از بدهکار در صورت تأخیر پرداخت از تاریخ سررسید اضافه می‌گیرد حرام است و گرفتن آن جایز نیست، هرچند که دو طرف معامله به این معنا تراضی داشته باشند (خمینی، ۱۳۷۵: ۴).

مرحوم آیت‌الله گلپایگانی در پاسخ به سؤالی درباره جریمه‌های بانکی می‌نویسد: «شرط زیاده، اگرچه به عنوان حق الزحمه و سایر مذکورات در سؤال باشد، ربا و حرام است و جریمه نیز حرام است؛ ولی اگر مدیون به نحو شرعی در ضمن عقد خارج لازم، ملتزم شده باشد که اگر از موعد مقرر تأخیر انداخت، مبلغ معینی مجاناً بدهد، اشکال ندارد» (گلپایگانی، ۱۴۰۵: ۹۱).

آیت‌الله فاضل لنکرانی در پاسخ به سؤالی در خصوص امکان دریافت خسارت تأخیر تأدیه چنین نظر دادند: «به عنوان خسارت و ضرر تأخیر ادای دین، نمی‌توان چیزی گرفت و اخذ خسارت تأخیر ادای دین مطلقاً مشروع نیست و فرقی بین بانک و غیره نمی‌باشد» (لنکرانی، بی‌تا: ۳۰۶).

برخی از معاصران با فرق گذاشتن میان غصب پول و غیرغصب، در خصوص غصب، کاهش ارزش پول را در ضمان غاصب دانسته و در غیرغصب، گرفتن مبلغ مازاد را تحت عنوان ضمان کاهش ارزش پول برخلاف ادله روایی قلمداد کرده‌اند (حائری، ۱۳۷۸: ۷۶ و ۷۷)؛ البته خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد، غصب نیست و بدهکار با تأخیر در پرداخت دین، عین مالی را غصب نمی‌کند؛ ولی چون با تمکن از پرداخت و با وجود مطالبه دائن، از ادای دین خویش خودداری کرده و در فرض کاهش شدید ارزش پول، سبب ورود ضرر به وی شده است، به قاعده لاضرر باید خسارت او را جبران کند.

برخی نیز با آن که خسارت دیرکرد را ربا و حرام دانسته‌اند، معتقدند: «اگر فاصله زمانی و تورم خیلی زیاد باشد، به طوری که پرداختن مبلغ مذکور عرفاً ادای دین شمرده نشود، باید به حساب امروز بپردازد یا مصالحه کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۵۰).

شهید صدر نیز در مباحث علمی خویش می‌پذیرد که در اوضاع کنونی که ارزش پول به طور مستمر رو به کاهش است، به گونه‌ای که پس از چند سال، پول، ارزش حقیقی خود را از دست می‌دهد، دیگر نمی‌توان پول امروز را "مثل" پول چند سال پیش دانست؛ بنابراین، اگر بانک، هنگام وفا به دین خویش، ارزش واقعی پولی را که پیش‌تر گرفته، بپردازد، ربا و حرام نخواهد بود (صدر، ۱۴۰۳: ۱۹).

آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به استفتاء رئیس کل دادگستری تهران مبنی بر این‌که: "آیا گرفتن خسارت تأخیر تأدیه طبق قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ مشروعیت دارد یا از مصادیق ربا می‌باشد؟" در پاسخ اظهار داشتند که: «خسارت ناشی از بدهی اگر ثابت شود که مستند به تأخیر تأدیه است در ضمان بدهکار است و حکم ربا ندارد» (صفایی، ۱۳۹۰: ۲۲۷). با اندک دقتی در نظرات فقها به ویژه فقهای معاصر می‌توان درک کرد که در گذر زمان و کاهش روز به روز ارزش پول در جوامع، نظرات فقها از سختگیری‌های اولیه فاصله گرفته و خسارت تأخیر تأدیه را به جهت دریافت ارزش واقعی پول و نه به قصد سود و ربح مجاز دانسته‌اند (ملاحسینی، ۱۳۹۸: ۱۴-۱۶).

۴. پیشنهاد قانونی

در قانون پیشین آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ نرخ خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد ۱۲ درصد در سال بود و تراضی طرفین به بیشتر از آن معتبر نبود (ماده ۷۱۹). هرگاه دین از طریق دادگاه مطالبه می‌شد، دادگاه به بیشتر از ۱۲ درصد حکم نمی‌داد و اگر دین مستند به سند رسمی بود و از طریق اداره ثبت اسناد مطالبه می‌شد، در این صورت نیز زیان دیرکرد نمی‌توانست بیش از صدی دوازده در سال باشد (ماده ۳۵ قانون ثبت اسناد، اصلاحی ۱۳۱۲، و ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایات از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۵۵).

مبدأ خسارت تأخیر تأدیه تاریخی بود که طرفین تعیین کرده بودند. هرگاه طرفین راجع به مبدأ تعلق خسارت توافقی نکرده بودند، اگر خواسته به وسیله اظهارنامه مطالبه می‌شد، خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ابلاغ اظهارنامه قابل مطالبه بود و اگر اظهارنامه‌ای در میان نبود، خسارت از تاریخ اقامه دعوی تعلق می‌گرفت (ماده ۷۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی). در مورد اسناد رسمی، خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ابلاغ اظهارنامه یا اجرائیه به مدیون تا روز وصول دین محاسبه می‌شد (ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی). در مورد برات و سفته‌ای که بر اثر عدم پرداخت و اخذ (اعتراض) می‌شد، زیان دیرکرد از روز و اخذ است قابل مطالبه بود (ماده ۳۰۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱).

تفاوت دیگری که خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد با قواعد عمومی مسئولیت مدنی قراردادی داشت این بود که در مورد خسارت تأخیر تأدیه اثبات ضرر شرط مسئولیت نبود. در واقع قانون‌گذار در این مورد ضرر را مفروض دانسته و بار اثبات آن را از دوش متعهدله برداشته بود.

بعد از پیروزی انقلاب و برقراری حکومت جمهوری اسلامی، مسئله غیرشرعی بودن خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد مطرح گردید و شورای نگهبان، در نظریه‌های متعدد دریافت این خسارت موضوع مواد مختلف قانون آیین دادرسی مدنی و قانون ثبت و آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا را خلاف شرع اعلام نمود. در نظریه شماره ۹۳۳۹ شورای نگهبان چنین آمده است: "دریافت خسارت تأخیر تأدیه موضوع مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ قانون آیین دادرسی به نظر اکثریت فقها مغایر با موازین شرعی شناخته شد". در سال‌های بعد نیز شورای نگهبان همین نظر را بارها تأیید کرده است و در سال ۶۷ درباره‌ی مواد قانون ثبت و آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا چنین اظهارنظر نموده است: "تمام مواد و تبصره‌های موجود در قوانین و آیین‌نامه‌ها و مقرراتی که اجازه اخذ مبلغی را به عنوان تأخیر تأدیه می‌دهد (که حقیقت آن اخذ مازاد بر بدهی بدهکار است) باطل است".

از آنجا که نظریه مذکور موجب سوءاستفاده بدهکاران می‌شد و آنان را به تأخیر در پرداخت دین یا فرار از دین تشویق می‌کرد و غیرعادلانه می‌نمود؛ به ویژه با توجه به تورم شدید و تنزل فاحش ارزش پول ملی مبلغی که بستانکار بعد از مدت‌ها دوندگی و پیگیری از طریق مراجع قضایی یا ثبتی به دست می‌آورد ارزش اقتصادی و قدرت خرید آن به مراتب کمتر از مبلغ دین در زمان سررسید بود، به تدریج تدابیری جهت حل مشکل و رفع بی‌عدالتی اندیشیده شد.

در سال ۱۳۶۱ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام رئیس کل بانک مرکزی دریافت خسارت تأخیر تأدیه به میزان ۱۲ درصد مانده بدهی به وسیله بانک‌ها براساس توافق طرفین قرارداد را تجویز کرد. در مورد نظریه مذکور این سؤال مطرح می‌شد که چه تفاوتی بین بانک‌ها و اشخاص دیگر است، چرا بانک‌ها می‌توانند خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای تراضی طرفین دریافت کنند، ولی اشخاص دیگر چنین حقی ندارند؟

در سال ۱۳۶۸ نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون نحوه‌ی وصول مطالبات بانک‌ها، اخذ خسارت تأخیر تأدیه را برای بانک‌ها جایز اعلام و کلیه محاکم دادگستری و دوائر اجرایی ثبت را مکلف به وصول مطالبات بانک‌ها اعم از اصل و فرع کرد (ماده ۱ قانون مزبور).

در سال ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ را تصویب کرد؛ ولی با این‌که در ماده ۱۲ قانون صدور چک به اخذ خسارت تأخیر تأدیه اشاره شده بود، قانون جدید آن را تغییر نداد. به همین جهت رئیس کل دادگستری تهران از مقام رهبری استفتا کرد که: "آیا گرفتن خسارت تأخیر تأدیه طبق قانون فوق مشروعیّت دارد یا از مصادیق ربا می‌باشد؟" در پاسخ اعلام داشتند که: "خسارت ناشی از بدهی اگر ثابت شود که مستند به تأخیر تأدیه است در ضمان بدهکار است و حکم ربا ندارد".

در سال ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی، به موجب قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک، دارنده چک را مستحق دریافت "کلیه‌ی خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است" شناخت و قانون مذکور چون مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفت به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد و مصوبه مجلس در جلسه مورخ ۷۶/۳/۱۰ مجمع عیناً به تصویب رسید.

در سال ۱۳۷۷ مجمع تشخیص مصلحت نظر تفسیری خود را درباره‌ی تبصره الحاقی به ماده‌ی ۲ قانون یاد شده به شرح زیر اعلام داشت:

"منظور از عبارت "کلیه‌ی خسارات و هزینه‌های وارد شده ..." مذکور در تبصره الحاقی به ماده‌ی ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله و کیل براساس تعرفه‌های قانونی است".

با تحول حقوق ایران و آماده شدن افکار فقهای اسلامی جهت پذیرش نوعی خسارت تأخیر تأدیه که مغایرتی با شرع نداشته باشد، قانون‌گذار خسارت تأخیر تأدیه را قابل مطالبه اعلام می‌کند. تبصره ۲ ماده‌ی ۵۱۵ قانون جدید آیین دادرسی

مدنی مصوب ۱۳۷۹ چنین مقرر می‌دارد: "خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد". موارد قانونی ظاهراً به ماده ۵۲۲ قانون اشاره دارد که خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد براساس نرخ تورم را پذیرفته است. در این ماده چنین آمده است:

"در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند".

۵. دکترین حقوقی

پس از بررسی اجمالی روند قانون‌گذاری در موضوع خسارت تأخیر تأدیه نظریات حقوقی در خصوص موضوع خسارت تأخیر تأدیه تبیین می‌گردد.

گروهی از حقوقدانان خسارت تأخیر تأدیه در مقررات فعلی را واجد دو مفهوم مجزا می‌دانند. ره‌پیک در این خصوص می‌نویسد: «خسارت تأخیر تأدیه نیز در واقع یکی از انواع خسارات قابل جبران می‌باشد. ماده ۲۲۸ قانون مدنی مجوز مطالبه خسارت تأخیر را در صورتی که موضوع تعهد وجه نقد باشد صادر کرده بود. پس از انقلاب اسلامی، فتاوی فقہی و نظرات شورای نگهبان، خسارت تأخیر تأدیه دین را به دلیل انطباق با ادله ربّا، غیر شرعی اعلام نمودند. تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز خسارت تأخیر را جز در موارد استثنایی قانونی، غیر قابل مطالبه دانسته است. مقصود از موارد استثنایی، مواردی است که قانونگذار به دلایل مختلف مطالبه این خسارت را پذیرفته است مانند مجوزی که مجمع تشخیص مصلحت نظام برای بانک‌ها صادر کرد یا مواد اصلاحی قانون چک در خصوص حقوق دارنده چک.

باتوجه به مبانی حقوقی و فقہی به نظر می‌رسد محدودیت‌های نظرات فقہی و قوانین مذکور نهایتاً شامل مواردی است که موضوع تعهد وجه نقد است اما در مواردی که موضوع تعهد انجام یا ترک فعل باشد تعیین خسارت تأخیر به صورت قراردادی یا قانونی اشکالی ندارد. بنابراین ماده ۲۲۸ قانون مدنی در حال حاضر با توجه به نظرات و

قوانین بعدی تخصیص خورده است. در قوانین قبل از انقلاب اسلامی (ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی) تأخیر بر مبنای ۱۲٪ در سال قانونی بود و بدون نیاز به تصریح و توافق مطالبه می‌شد. برخی نویسندگان ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ را از مصادیق خسارت تأخیر تأدیه دانسته‌اند اما این نظر صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا ماده اخیر به خسارت کاهش ارزش پول اشاره می‌کند که با خسارت تأخیر تفاوت دارد» (ره‌پیک، ۱۳۸۵: ۱۳۴ و ۱۳۵).

قابل ذکر است برخی حقوق دانان خسارت تأخیر تأدیه در کلیه مقررات کنونی را واجد مفهوم خسارت ناشی از کاهش ارزش پول می‌دانند. مطابق این دیدگاه «باید میان دو مفهوم قائل به تفکیک شویم؛ مفهوم اول خسارت تأخیر تأدیه در مفهوم خسارت دیرکرد، به این معنا که شخص متعهد، به سبب تأخیری که در ادای دین خود داشته خسارتی به صورت ثابت (چه خسارت وارد شده بیش از آن میزان باشد و چه کمتر) اضافه بر ارزش مبلغ، پرداخت نماید که این مفهوم (موضوع ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم) ربا بوده و مطالبه آن وجاهت قانونی ندارد. مفهوم دوم خسارت تأخیر تأدیه به معنای کاهش ارزش پول در اثر رشد تورم می‌باشد. به این معنی که ارزش پول، همواره در حال کاهش است و گسترش نقدینگی در جامعه، سبب کاهش قدرت خرید شده و بر اثر تورم، از قیمت حقیقی پول کاسته می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر شخص، مدت مدیدی عین پول خویش را در گوشه‌ای نگه دارد، فقط از نظر شکلی، پول خود را نگه داشته؛ ولی از نظر اقتصادی از ارزش تهی شده است. مفهومی که شورای نگهبان آن را در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ پذیرفته است و قابل مطالبه می‌داند ناظر به مفهوم دوم خسارت تأخیر تأدیه یعنی کاهش ارزش پول است» (صفایی، ۱۳۹۰: ۲۲۸).

۶. نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه

در این مبحث نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه در خصوص موضوع خسارت تأخیر تأدیه مطالبات بانکی تبیین می‌گردد. با بررسی اجمالی مشخص می‌گردد که نظریات مشورتی مختلفی از اداره حقوقی در خصوص این موضوع ارائه گردیده است که در ادامه بیان می‌گردند.

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۷۴۷ مورخه ۱۳۹۲/۹/۹: «به طور کلی، توافق بر جرمیمه به عنوان وجه التزام خسارت تأخیر تأدیه دین فقط در چهارچوب مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۶۲ با اصلاحات بعدی برای وجوه و تسهیلات اعطائی بانکها پیش‌بینی شده است، ولی در تمام دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج است مطالبه و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه براساس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ انجام می‌شود و شرط زیاده در تعهدات پولی ربای قرضی محسوب می‌شود. وجه التزام موضوع ماده ۲۳۰ قانون مدنی ناظر به تعهدات غیرپولی است و قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی راجع به امکان مصالحه طرفین به نحو دیگر ناظر به مصالحه کمتر از شاخص تورم است؛ زیرا مقررات یادشده تا سقف شاخص تورم امری بوده و توافق بر بیشتر از آن بی‌اعتبار است. در صورتی که مدیون در زمره وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی باشد، در مدت یک سال و نیم مذکور در قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵ که طبق قانون قادر به پرداخت محکوم‌به نیست از پرداخت خسارت موضوع ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ معاف است.»

نظریه شماره ۷/۴۹۱۷-۱۳۸۲/۰۷/۹- اداره کل حقوقی قوه قضاییه: «با اشاره به این که قانون عملیات بانکی بدون ربا در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۸ تصویب و ماده ۱۵ آن در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۲۸ اصلاح و دو تبصره به عنوان تبصره‌های (۱) و (۲) در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۲۹ به ماده ۱۵ موصوف الحاق و تبصره‌های (۱) و (۲) سابق به تبصره‌های (۳) و (۴) تبدیل شده است و لذا تاریخ مذکور در عبارت "... قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۵ ..." ذکر شده در سطر ماقبل آخر صفحه اول استعلام صحیح به نظر نمی‌رسد، اضافه می‌شود باتوجه به عبارت "... براساس مقررات و شرایط زمان اعطاء این وجوه و تسهیلات، قابل مطالبه و وصول است ...» مذکور در ماده ۱ مصوبه مورخه ۱۳۶۸/۱۰/۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان "قانون نحوه وصول مطالبات بانکها" و با عنایت به تفسیر مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام از تبصره الحاقی ۱۳۷۶/۳/۱۰ ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک که بر این اساس " ... خسارت تأخیر

تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن ... " قابل مطالبه است و طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ در دعوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده، خسارت تأخیر تأدیه به تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد، با رعایت شرایط مقرر در ماده مزبور قابل مطالبه است. به نظر این اداره کل، خسارت تأخیر تأدیه در مورد تسهیلات مالی و وجوه دریافتی تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹، به استناد مصوبه مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، " ... براساس مقررات و شرایط زمان اعطاء این وجوه و تسهیلات ... " یعنی ۱۲٪ و از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی موصوف، " ... به تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد ... " و در مورد چک‌ها وفق تفسیر مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام قابل مطالبه است (شهری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۶۴ و ۲۶۸).

۷. رویه قضایی

رویه قضایی در خصوص امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در خصوص تسهیلات بانکی بیشتر از میزان شاخص تورم بانک مرکزی به دو دوره قبل و بعد از صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۱ دیوان عالی کشور تقسیم می‌گردد. قبل از صدور رأی وحدت رویه مذکور در محاکم اختلاف نظر وجود داشت بدین شرح که برخی قضات معتقد به امکان دریافت خسارت تأخیر تأدیه بیش از شاخص اعلامی بانک مرکزی در صورت تصریح در قرارداد اعطای تسهیلات بانکی بودند و برخی دیگر خسارت تأخیر تأدیه را در خصوص مطالبات بانکی تا سقف شاخص تورم بانک مرکزی قابل مطالبه می‌دانستند. دادنامه‌های ذیل‌الذکر که مربوط به قبل از صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۱ دیوان عالی کشور می‌باشند به روشنی گویای این اختلاف دیدگاه‌ها می‌باشند.

متن رأی^۱

در خصوص دادخواست بانک (ر.) به طرفیت خواندگان (ح.پ)، (د.الف)، (ج.الف)، (ع.ب) به

۱. شماره دادنامه ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۷۰۱۱۴۳- رأی دادگاه شعبه ۱۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران.

خواسته مطالبه وجه پنج فقره سفته وخواست شده به شماره ... الی ... جمعاً مبلغ ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان اصل خواسته به انضمام هزینه‌های وخواست و دادرسی و نیز خسارت تأخیر تأدیه منضم گردیده است. دادگاه باتوجه به محتویات پرونده و مدارک استنادی خواهان، عبارت است از کپی مصدق سفته وخواست مربوطه که دلالت براشتغال ذمه خواندگان و نظر به این که خواندگان، علی‌رغم دعوت از طریق صدور اخطاریه در جلسه دادگاه حاضر نشده و لایحه‌ای نیز ارسال نداشته‌اند و دلیل و مدرکی بر براءت ذمه خویش اقامه ننموده‌اند؛ علی‌هذا دعوی خواهان را محمول بر صحت تشخیص داده و ضمن استصحاب بقاء ذمه خواندگان، مستنداً به ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۳۰۷، ۳۰۹ و ۲۴۹ از قانون تجارت حکم به محکومیت تضامنی خواندگان به پرداخت مبلغ ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان اصل خواسته و پرداخت هزینه وخواست، هزینه دادرسی و نیز خسارت تأخیر تأدیه از زمان وخواست سفته (مورخه ۸۷/۹/۲۳) تا تاریخ یوم‌الادا برحسب شاخص سالانه که محاسبه و وصول آن برعهده اجرای احکام نهاده می‌شود، حق الوکاله طبق تعرفه در حق خواهان صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره غیابی و ظرف مهلت مقرر پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در مراجع ذی‌صلاح می‌باشد.

رأی شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران برابر دادنامه شماره ۸۵۵-۸۴/۷/۲۰- صادره از شعبه ۲۰۸ دادگاه عمومی حقوقی شهرری در خصوص دعوی بانک صادرات ایران به طرفیت ۱- خانم م.ص ۲- آقای ا.ح.ص ۳- م.ج.ب به خواسته صدور حکم بر محکومیت تضامنی خواندگان به پرداخت مبلغ ۴۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال و وجه یک فقره سفته به شماره ۹۴۰۰۰ و خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد و خسارت دادرسی. دادگاه بدوی حکم بر محکومیت خواندگان به پرداخت مبلغ خواسته و تأخیر تأدیه به مأخذ ۳۱ درصد از زمان تقدیم دادخواست تا زمان اجرای حکم و دو درصد وجه سفته بابت هزینه وخواست و ۴۹۴/۸۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی در حق بانک خواهان را صادر نموده است. بانک خواهان با نمایندگی قضایی آقای ک.ن نسبت به دادنامه صادره تجدیدنظرخواهی کرده و در خواست نقض دادنامه معترض عنه در قسمت مربوطه به خسارت عدم ایفای تعهد و صدور حکم بر محکومیت تضامنی تجدیدنظرخواندگان به پرداخت خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد به مأخذ ۳۱ درصد از زمان استفاده از سرمایه (۷۸/۱۲/۲۹) تا روز وصول را نموده است. اینک با توجه به محتویات و مستندات پرونده و مطالعه لایحه اعتراضیه نماینده قضایی بانک تجدیدنظرخواه، اعتراض بانک نسبت به دادنامه بدوی وارد است زیرا به موجب قرارداد منعقدہ مستند دعوی، تجدیدنظرخواندگان به عنوان وام‌گیرنده و ضامنین متعهد گردیدند که در صورت عدم تسویه وام پرداختی علاوه بر تأدیه اصل آن مبلغی معادل ۳۱ درصد سالیانه از زمان استفاده از سرمایه به عنوان خسارت ناشی از

عدم ایفای تعهد در حق بانک تجدیدنظرخواه پرداخت نمایند و نظر به این که مفاد قرارداد نیز با توجه به حاکمیت اصل اراده و به موجب مواد ۱۰ قانون مدنی و ۱۵ اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا و تبصره ۱ آن برای طرفین لازم‌الاتباع می‌باشد لذا دادنامه تجدیدنظرخواسته که مبدأ محاسبه خسارت را از زمان تقدیم دادخواست اعلام کرده و محکومیت قضایی تجدیدنظرخواندگان را منظور نکرده و برخلاف موازین و مقررات قانونی صادر شده درخور تأیید نمی‌باشد بنا به مراتب مذکور دادگاه به تجویز مواد ۳۵۸-۳۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ضمن پذیرش اعتراض بانک تجدیدنظرخواه نسبت به قسمتی از دادنامه بدوی به شرح فوق‌الاشعار حکم بر محکومیت تضامنی تجدیدنظرخواندگان به پرداخت خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد به مأخذ ۳۱ درصد از زمان استفاده از سرمایه در تاریخ ۷۸/۱۲/۲۹ در حق بانک تجدیدنظرخواه را صادر و اعلام می‌نماید. این رأی قطعی است.

در دادنامه صادره از شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر تهران خسارت تأخیر تأدیه عیناً بر مبنای نرخ مذکور در قرارداد و مورد توافق طرفین مورد پذیرش قرار گرفته و مبنای صدور رأی قرار گرفته است و به نظر می‌رسد در قرارداد منعقدہ طرفین به مبلغی بیشتر از نرخ تورم بانک مرکزی توافق نموده‌اند و دادگاه نیز توافق طرفین را معتبر دانسته و مطابق آن حکم صادر نموده است.

به تدریج مقررات و رویه‌های مذکور در خصوص امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه بیش از میزان شاخص تورم بانک مرکزی موجب بروز مشکلاتی گردید و در واقع آنچه به دلیل جلوگیری از سوءاستفاده بدهکاران در مقررات تدوینی پس از انقلاب اسلامی در خصوص مطالبات بانک‌ها در باب امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه توسط بانک‌ها وضع شده بود خود به ابزاری برای سرپوش گذاشتن بر اقدامات نامشروع بانک‌ها و مستندی برای ستم به مردم شده بود و جامعه فقهی، حقوقی و قضایی نمی‌توانست نسبت به این ظلم آشکار بی‌تفاوت و نظاره‌گر باشد لذا به تدریج با آن به مخالفت برخاستند. از مهم‌ترین تحولات حقوقی اخیر در راستای موضوع خسارت تأخیر تأدیه مطالبات بانکی بخشنامه شماره ۶۷۷۰۱/۱۰۰۰۶۰۰ مورخه ۱۳۹۹/۰۴/۲۱ ریاست محترم قوه قضاییه و رأی وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخه ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ می‌باشند که بر کوشش‌های سابق جهت اصلاح این روند ناصحیح مهر تأیید گذارد و موجب وحدت رویه قضایی در مواجهه با موضوع خسارت تأخیر

تأدیه مطالبات بانکی گردید. با صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخه ۱۳۹۹/۵/۲۱ تردیدی در رویه قضایی در خصوص این که بانکها در صورت تأخیر وام گیرنده در تأدیه بدهی صرفاً مجاز به مطالبه خسارت تأخیر تأدیه تا سقف شاخص تورم اعلامی بانک مرکزی می‌باشند باقی نماند.

نتیجه

خسارت تأخیر تأدیه در معنای کاهش ارزش پول و بر مبنای تغییر فاحش شاخص قیمت‌ها در دوره تورم شدید که زاینده وضع اقتصادی نا به‌هنجار است قابل توجیه می‌نماید؛ لکن در دوره ثبات و تعادل اقتصادی قابل اعمال نیست لذا چنانچه تورم در جامعه ناچیز باشد مطالبه این خسارت سالبه به انتفاء موضوع است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دریافت خسارت تأخیر تأدیه نامشروع و در حکم ربا اعلام گردید لکن به جهت تورم بالای موجود در جامعه و کاهش ارزش پول به تدریج جهت رفع بی‌عدالتی و جلوگیری از سوءاستفاده بدهکاران نوعی از خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای شاخص تورم بانک مرکزی مورد پذیرش قرار گرفت اما مقررات مذکور راه را برای سوءاستفاده بانکها باز گذاشت به نحوی که در عمل بدون توجه به مصوبات بانک مرکزی میزان سود و خسارات تأخیر مطابق قراردادهای تسهیلاتی بسیار بیشتر از نرخ تورم درج و وصول می‌گردید و در دادگاهها نیز قضاوت در این خصوص اختلاف نظر داشتند لکن در اغلب موارد مطابق ماده ۱۵ قانون اصلاحی عملیات بانکی بدون ربا و سایر مقررات مربوطه مطابق خواسته اعلامی از طرف بانکها حکم صادر می‌گردید و رویه‌ای ظالمانه می‌نمود. لذا در جهت رفع این مشکل بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۶۷۷۰۱/۱۰ مورخه ۱۳۹۹/۰۴/۲۱ از طرف رئیس قوه قضاییه و متعاقب آن رأی وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخه ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ از هیئت عمومی دیوان عالی کشور صادر که به موجب آن‌ها مستفاد از مواد ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴ و ۳۷ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۰۴/۱۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی و ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۰۶/۰۸ با اصلاحات بعدی و ماده واحده تأسیس بانکهای غیردولتی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ و دیگر مقررات مربوط، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری کشور و ناظر بر حسن اجرای آن است و مصوبات بانک مذکور راجع به حداقل و حداکثر سهم سود بانک‌ها مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی جنبه آمره دارد. بنا به مراتب و با عنایت به ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، شرط مندرج در قرارداد اعطای تسهیلات بانکی نسبت به سود مازاد بر مصوبات مذکور باطل است. به موجب این مقررات دریافت سود و خسارت تأخیر تأدیه بیشتر از میزان شاخص تورم اعلامی بانک مرکزی جمهوری اسلامی و مصوبات شورای پول و اعتبار ممنوع اعلام گردید و شروط مذکور در قراردادهای تسهیلاتی که برخلاف این مصوبات باشند باطل اعلام شد و گامی بلند در جهت اجرای عدالت و رعایت حقوق عامه مردم برداشته شد. البته این رأی وحدت رویه نیز به طور کامل اشکالات مربوط به موضوع دریافت خسارت تأخیر تأدیه را رفع ننموده و مواردی نظیر دریافت سود مرکب از اصل بدهی و خسارت تأخیر متعلقه و نیز عدم تقدم بانک‌ها در خصوص وثیقه‌های تودיעی که منجر به افزایش نرخ سود وام بیش از حد انتظار می‌گردد را شامل نمی‌گردد که در این موارد نیز مقررات بانکی نیازمند بازنگری می‌باشند. بنابراین باتوجه به این که مطابق مقررات بانکی سود دریافتی از تسهیلات اعطایی سود مرکب می‌باشد که در اکثر ممالک دنیا ممنوع می‌باشد که این امر موجب می‌شود خسارت دریافتی بانک در صورت تأخیر در پرداخت بدهی از مصوبات بانک مرکزی فراتر رود و تعدی به حقوق بدهکار تلقی می‌گردد، پیشنهاد می‌گردد به موجب ماده واحده قانونی یا به ابتکار دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه مقررات بانکی در این خصوص اصلاح و خسارت تأخیر تأدیه تنها بر مبنای اصل مبلغ تسهیلات اعطایی قابل مطالبه اعلام گردد. همچنین در مواردی که وثیقه مکفی جهت تضمین بازپرداخت تسهیلات اعم از ملکی، ضمانت‌نامه بانکی و ... از مدیون اخذ شده است، طرح دعوی ابتدایی در دادگستری غیرقابل استماع اعلام گردد و تنها در صورتی که وصول مبلغ تسهیلات از محل وثیقه تودיעی با طی تشریفات قانونی امکان‌پذیر نگردد، بانک‌ها بتوانند دعوی حقوقی جهت بازپرداخت تسهیلات طرح نمایند. با توجه به تخلفات عدیده در تنظیم قراردادهای تسهیلاتی بانک‌ها از طریق تصویب ماده واحده قانونی یا صدور بخشنامه از طرف مقامات

ذی‌صلاح سازوکاری در جهت نظارت مستمر بر عملیات بانک‌ها توسط دادگستری ایجاد گردد. علاوه بر این، جهت رسیدگی به پرونده‌های تسهیلات بانکی شعب ویژه با ارائه آموزش‌های لازم و مستمر در دادگستری تشکیل گردد.

منابع

- ابهری، حمید، فرزنگان، محمد، ظهوری، سمیه (۱۳۹۶)، قواعد و شرایط حاکم بر مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، **مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۸، شماره ۱، بهار و تابستان.
- انصاری، علی (۱۳۹۰)، دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی با تکیه بر وضعیت بدهکار، **فصلنامه پژوهشی اقتصاد اسلامی**، سال ۱۱، شماره ۴۱.
- حائری، سید کاظم (۱۳۷۸)، بررسی فقهی اوراق نقدی، **مجله فقه اهل بیت علیه السلام**، سال ۵، شماره ۱۹ و ۲۰.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۵)، **ترجمه تحریر الوسیله**، جلد ۴، مسائل مستحدثه، سفته، قم: انتشارات اسلامی.
- ره پیک، حسن (۱۳۸۵)، **حقوق مدنی (حقوق قراردادها)**، تهران: انتشارات خرسندی.
- زندی، محمدرضا (۱۳۸۹)، **رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (اسناد تجاری)**، جلد ۳، تهران: انتشارات جنگل.
- زینالی، توحید (۱۳۹۶)، **دعاوی بانکی در رویه دادگاه‌ها**، تهران: انتشارات چراغ دانش.
- صدر، شهید سیدمحمد باقر (۱۴۰۳)، **البنک الاربوی**، چاپ ۸، بیروت: دارالتعارف المطبوعات.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۰)، **قواعد عمومی قراردادها**، جلد ۲، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۰)، **مسئولیت مدنی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گلپایگانی، سیدمحمد رضا (۱۴۰۵)، **مجمع المسائل**، جلد ۲، قم: دارالقرآن کریم
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی، **جامع المسائل (فارسی - فاضل)**، جلد ۱، چاپ ۱۱، قم: انتشارات امیر قلم.
- محقق احمدآبادی، مصطفی، رضایی‌نژاد، همایون (۱۳۹۸)، تأخیر در اجرای تعهد پولی و آثار آن (تحلیل حقوق موضوعه و نقد رویه قضایی)، **پژوهش حقوق خصوصی**، سال ۷، شماره ۲۶.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶)، ربا و بانکداری اسلامی، شماره ۲، قم، مطبوعاتی هدف.
- ملاحسینی، رحیم، تفرشی، عباس، احمدی، محمود (۱۳۹۸)، خسارت تأخیر تأدیه در ارتباط با دیون دستگاه‌های دولتی و شهرداری‌ها، تهران: انتشارات جنگل.